

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۱۷ سپتمبر ۲۰۲۴

فریده نوری

کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ خلق و پرچم

یا

زخم ناسور

کودتای بدفرجام و منحوس خلقی ها و پرچمی ها برای وطن به یک زخم ناسور مبدل گشته است و دامن کشور را رها کردنی نیست. حزب نادموکراتیک خلق و پرچم به همکاری باداران شوروی شان وطن را به خاک و خون کشیدند که بعد از سپری شدن چهل و چند سال، آوارگی و بیچارگی افغانستان عزیز و ملت مظلوم آن را رها کردنی نیست.

این وطنفروشان بیخرد و بی غیرت بعد از سقوط شرمبار شان، همه شان به کشور هائی پناه بردند که سالها آن کشور ها را بنام امپریالیزم دشنام می دادند و یخن پاره می کردند.

لاکن بدبخت تر از همه این است که این ناخلفان باوجود داشتن وبسایت های متنوع مربوط به حزبی گگ های بی وجدان شان، برای تبلیغات خود از وبسایت های معلوم الحالی که در اوایل مطلقاً برخلاف این گروه بود، داخل شدند که این وبسایت ها نباید خود را آله دست این وطنفروشان می ساختند، اما ساختند، و مضامین آن خائنین ملی را به صورت گسترده در وبسایت های خود نشر می کنند با وجودیکه از طرف نویسندگان ملی وقتاً فوقتاً برای شان اشاره گردید، لاکن به آن وقع گذاشته نشد. تا حدیکه یک پرچمی شناخته شده به معرفی رفقای حزبی خود شروع کرد و همه خائنین ملی را درج سیه نامه های شرم آور آن وبسایت نموده و نام های عجب و غریب بر آن ورق پاره ها گذاشتند.

بدتر از آن که، همان کمونیست پرچمی شناخته شده که بانی بدبختی ها و آوارگی وطن و مردم آن مرز و بوم بوده و است، سالگرد تولد ننگین خود را با بی غیرتی "تجلیل" میکند و تعدادی از

هموطنان و قلم به دستان و قلم فروشان برایش مبارکی میگویند و می نویسند، بخدا شرم هم چیز خوبی است، زیرا برای به دست آوردن القاب و شهرت کاذب، همه بدبختی های را که دامنگیر وطن و وطنداران است به باد فراموشی سپرده اند.

هیچ فرد افغان نباید این زخم ناسور ناشی از کودتای خلقی و پرچمی را فراموش کند، زیرا چندین میلیون آواره و بدبخت و بیچاره شدند و آن هائی که از ناچاری در وطن ماندند، مشقت های زیادی را متحمل گردیدند.

آنچه باعث سربلندی ملت افغان در این آوارگی ها بود و است که با سربلندی یک لقمه نان خود را کمایی نمودند و هیچ وقت اوضاع کشور های میزبان را مختل نمی ساختند، و هیچ وقت حاضر نشدند که آله دست احزاب چپی و یا راستی قرار بگیرند.

متأسفانه امروز یک مقدار نابسامانی در کشور های اروپایی به مشاهده می رسد که بسیار متأثر کننده است.

بطور مثال در رسانه های فرانسه وقتاً فوقتاً شاهد یک تعداد واقعات ناگوار از خشونت های مختلف گرفته تا واقعات قتل می باشیم، که بسیار آزار دهنده است.

نو آوری دیگر، اظهارات یک دختر خانم "افغان" از تهدید طالبان برای قتل وی در رسانه های فرانسه به دلیل مبارزه وی برای آزادی زنان افغان، که قابل دقت و تعجب است، زیرا فعالان زیادی وجود دارند و داشتند و هرگز شنیده نشده است که طالب آن ها را تهدید نموده باشد و آنهم در یک کشور اروپایی.

تأثر دیگرمن از داشتن غرفه توسط "افغان" ها به روز شنبه که گذشت در جشن حزب کمونیست فرانسه بود. کمونیست های فرانسه هر سال همین روز را جشن می گیرند، امسال غرفه "افغان" ها نیز زرق و برق داشت.

نتیجه می گیریم که متأسفانه هنوز هم از شر این زخم ناسور خلاص شدنی نیستیم، زیرا همه حوادث ایکه رخ می دهد مربوط به همین ارتباطات است و هرو مرو در زیر کاسه نیم کاسه وجود دارد.